



تأملی در گونه‌شناسی نظریه‌های علم دینی

# علمی برای ملک و ملکوت انسان

### بررسی

امروزه‌ها جمله موضوعاتی که در گفتمان علمی حوزه و دانشگاه رایج است، مسئله تولید علم دینی با جنبش نرم‌افزاری است که شخصیت‌ها و نهادهای مختلف علمی هسر یک از منظر ی به این مقوله پرداخته‌اند.
باین وجود هنوز آنچه انجام شده با وضعیت مطلوب و مورد انتظار ما تفاوت فاحش دارد. لذا تحقق جنبش نرم‌افزاری و تولید علم دینی و حل مسائل و چالش‌های تمدنی وارزشی که منوط به تولید علم دینی و استخراج نظر به‌های علمی از بطن آموزه‌های وحیانی می‌باشد کار سخت و طاقت‌فرسایی است. لذا جهت ایجاد فضایی مناسب برای تولید علم دینی مناسب است که این موضوع از جهات مختلف مورد بررسی قرار بگیرد چراکه رسیدن به درکی مشترک از علم دینی نیازمند بررسی تعاریف مختلف آن است.

برای اینکه تعریف دقیقی از علم دینی حاصل شود، ابتدا واژه‌های علم و دین مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### تعریف علم

علم در گفتمان‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد. در اینجا تعاریف علم در گفتمان علم مدرن و گفتمان دینی بیان می‌شود.

### تعریف علم در گفتمان علم مدرن

ابتدا لازم است فهم و تلقی‌ای که از این علم صورت گرفته ارائه شود. هرچند در تلقی و تعریفی که از علم جدید ارائه شده در سده‌های مختلف به لحاظ کارآمدی‌هایی که از آن انتظار می‌رفت و نیز آسیب‌ها و کاستی‌هایی که هر علمی در عصر خود با آن درگیر بوده است، تعاریف علم دچار اختلاف شده است.

**تعریف دمپیه‌یر (Dempier):**واژه لاتین Scientia از Scire به معنی آموختن و دانستن در وسیع‌ترین مفهوم به معنای آموزش یا دانش است. اماواژه انگلیسی Science به عنوان اصطلاحی کوتاه شده برای علوم طبیعی به کار می‌رود، هر چند نزدیک‌ترین معادل آن در آلمانی Wissenschaft. هنوز هم نه تنها همه مطالعات منظمی را که ما علم می‌نامیم دربرمی‌گیرد، بلکه مطالعات منظم تاریخ، فقه اللغة یا فلسفه را نیز شامل می‌شود. بنابراین علم را می‌توان به دانش مرتب در باره پدیده‌های طبیعی و بررسی منطقی روابط میان مفاهیمی که این پدیده‌ها به کمک آن‌ها بیان می‌شود تعریف کرد (خاکی قراملکی، ۱۳۸۹، ص۷۵).

**تعریف راسل:** علم چنان که واژه آن می‌رساند، مقدمتاً نوعی معرفت است و به اصطلاح چنان معرفت است که به وسیله ربط دادن چند جزئی در صدد کشف قانون‌های کلی است. باین حال به تدریج جنبه معرفتی علم تحت‌الشعاع جنبه دیگر آن که به کسب قدرت در برابر طبیعت نظر دارد قرار می‌گیرد و از آنجاست که علم در مقایسه با هنر، ارزش اجتماعی بیشتری کسب می‌کند. زیرا به ما قدرت می‌دهد تا در طبیعت تصرف کنیم، ولی از لحاظ حقیقت‌جویی با هنر برابر است و نسبت به آن امتیازی ندارد (خاکی قراملکی، ۱۳۸۹، ص۵۸).

**تعریف چالمرز:** معرفت علمی معرفتی اثبات شده است. نظر به‌های علمی به شیوه‌ای دقیق از یافته‌های تجربی است که با مشاهده و آزمایش به دست آمده‌اند اخذ می‌شوند. علم بر آنچه می‌توان دید و شنید و لمس کرد و امتثال اینها بنا شده است. عقاید و سلیقه‌های شخصی و تخیلات نظری هیچ جایی در علم ندارند. علم عینی است. معرفت علمی معرفت قابل‌اطمینانی است، زیرا به طور عینی اثبات شده است. (چالمرز، ۱۳۷۹، ص۱۲).

بنابر این تعاریف معنای علم در گفتمان علم مدرن از مفهوم وسیع آن به مفهومی محدود و مبتنی بر روش‌های تجربی تقلیل یافته است. یعنی اگرچه Scientia به معنای گسترده آن اشاره داشته، اما Science فقط به حوزه خاصی از علم که مبتنی بر روش تجربی است اشاره دارد.

### تعریف علم در گفتمان دینی

از منظر اندیشمندان دینی معاصر اساساً اطلاق تعریف علم با عدم حصر روش شناختی به مند تجربی و عقلی با التزام به معیار و منطبق وحی در تشخیص صحت و سقم یک گزاره، و واژه علم حوزه و قلمرو وسیعی‌را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل علم اصول، فقه، کلام و فلسفه عنوان علمی به خود می‌گیرند و علم منحصر به علوم ریاضی و تجربی نمی‌شود.
منطقیون و فلاسفه علم را «مضور صوره‌الشیء عندالعقل یا عندالنفس» تعریف می‌کنند. بنابراین هر گزاره و قضیه‌ای که تطابق عینی داشته باشد یک گزاره علمی به شمار می‌رود. برخی از اندیشمندان علم را مجموعه‌ای از تصورات و تصدیقات می‌دانند و علوم را دو دسته حصولی و مبتنی بر روش‌های تجربی نقلی یافته قطع و یقین و متعلق آن گزاره‌های است که مورد یقین آدمی باشد، اعم از اینکه آن گزاره یقینی، صادق و مطابق با واقعیت باشد یا کاذب و خلاف واقع بوده باشد. علم در این کاربرد مقابل شک، ظن و وهم قرار دارد. برخی دیگر علم را به معنای نظام و سیستمی از گزاره‌های حصولی که با روش‌های مختلف کسب معرفت به دست آمده‌اند می‌دانند مانند علوم تجربی، فلسفی، تاریخی، عرفانی، ادبی و غیره. علم تناسبت فهم انسان از اشیای عینی است. افرادی که علم را بدین صورت تعریف می‌کنند کاشفیت تطابقی علم را نقض می‌کنند و آن را مجموعه معارف کاربردی در جهت رفع نظام نیازمندی‌های

فردی و اجتماعی می‌دانند. بر این اساس علم زمانی حاصل می‌شود که منجر به نوعی خاص از کارآمدی عینی بشود (خاکی قراملکی، ۱۳۸۹، صص ۲۹۹-۳۰۲).

### جمع‌بندی تعریف علم

گفتمان علم مدرن، علم را در روش تجربی محصور نموده است. اگر چه از اعتبار این نگاه به علم، به مرور زمان کاسته شد اما هنوز هم دیدگاه غالب در جوامع علمی است. در گفتمان دینی، علم را به روش تعریف نمی‌کنند و همه روش‌های کسب معرفت از درجه اعتبار یکسانی برخوردار هستند. یکی از مناقشات در باب ماهیت علم این است که علم بر اساس روش تعریف شود یا خیر. برخی گمان می‌کنند اساساً اولین تقسیمی که بر سر علم انجام می‌شود این است که علم تجربی است یا عقلی؟ یا به تعبیری دیگر علم تجربی است یا غیر تجربی؟ و در واقع محک تجربه را عامل اساسی در باب ماهیت علم می‌دانند. در حالی که محک تجربه را به عنوان مهم‌ترین معیار در ماهیت علم معرفی کردن، یک اشتباه معرفت شناختی است. یعنی اگر کسی این دیدگاه را بپذیرد، خیلی سریع می‌توان نشان داد این فرد بر اساس نسبییت اظهارنظر می‌کند و نظرات او مبتنی بر شکاکیت است و تمام کسانی که روش تجربی را در ماهیت علم اخذ کرده‌اند، نهایتاً به نسبییت و شکاکیت رسیده‌اند، چراکه روش تجربی مملو از گزاره‌های فلسفی است و این مطلبی است که مخصوصاً مورد توجه پست مدرن‌ها قرار گرفته است. در مقابل این رویکرد مدرن، فلاسفه مسلمان قرار دارند که علم را یا بر اساس موضوع یا بر اساس غایت تقسیم می‌کردند (سوزنجی، ۹۸۱۹ ص۵۹).

بنابراین علم در گفتمان دینی عبارت است از نظام و سیستمی از گزاره‌های حصولی که با روش‌های مختلف کسب معرفت به دست آمده و دارای خصلت کاشفیت، ارزش جهان‌شناختی، واقع‌نمایی و خارج‌نمایی است.

### تعریف دین

برای رسیدن به تعریف علم دینی، واژه دین نیز باید مورد بررسی قرار بگیرد. در اینجا معانی لغوی و اصطلاحی دین بیان می‌شود.

### معنای لغوی دین

در آیات قرآنی می‌توان معانی زیر را برای لغت دین یافت که بعضی از این واژه‌ها به معنای اصطلاحی دین نزدیک‌تر است:

- دین به معنای تسلیم
- دین به معنای اطاعت و بندگی
- دین به معنای شریعت و قانون
- دین به معنای اعتقادات
- دین به معنای جزا و پاداش
- دین به معنای ملک و سلطنت
- دین به معنای ملت.

با توجه به این معانی که ریشه قرآنی دارند، معانی اول و دوم ناظر به بیان حقیقت دینداری است، اما معانی سوم و چهارم به مفهوم «حقیقت دین» اشاره دارد که طبعاً به معنای اصطلاحی دین نزدیک‌تر است (خاکی قراملکی، ۱۳۸۹، ص۶۷).

### معنای اصطلاحی دین

در نگاه علامه طباطبایی بعضی از تعاریف دین به معنای عام و برخی به معنای خاص دلالت می‌کند.

### معنای عام دین

دین مجموعه‌ای از برنامه‌ها و مقررات متناسب و هماهنگ برای زندگی است که بر یک نوع جهان‌بینی استوار است و انسان برای نیل به سعادت خود آن را وضع می‌کند یا از دیگران می‌پذیرد (طباطبایی ۱۳۸۳، ص۲۱).

دین سلسله‌ای از معارف علمی است که سلسله‌ای از معارف عملی را به دنبال دارد. جامع این دو دسته معارف علمی و عملی آن است که همگی جنبه اعتقادی دارند (طباطبایی ۱۳۶۴، ج۲، ص۳۴۲).

دین مجموعه عقاید، اخلاقی، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص۹۳).

معنای عام دین همه ادیان توحیدی و غیر توحیدی را شامل می‌شود.

### معنای خاص دین

استاد شهید مطهری ماهیت دین را به حقیقتی به نام اسلام بازمی‌گرداند که در همه ادیان وجود دارد هر چند لفظ واژه اسلام به دیگر ادیان اطلاق نشده باشد. ایشان اسلام را یک مکتب و ایدئولوژی می‌داند که مبتنی بر جهان‌بینی خاصی می‌باشد. به گونه‌ای که معطوف به بیان و ارائه سلسله بایدها و نبایدهایی در حوزه زندگی اجتماعی بشر و در جهت سعادت حقیقتی انسان می‌باشد. با توجه به اینکه قرآن تنها کتاب آسمانی است که از خطر تحریف مصون مانده، معنای خاص دین که ناظر به «حقیقت اسلام» است را می‌توان منحصر به دین اسلام دانست.

### جمع‌بندی تعریف دین

اما از آنجا که اسلام آمده است تا سرپرستی کامل بشر را در طول تاریخ بر عهده بگیرد و تکامل بشر نیز با قرب به حضرت حق و توسعه پرستش همه‌جانبه او امکان پذیر است، می‌توان گفت که دین عبارت است از نظام تناسباتی حاکم بر تولی عید یا ایثار جریان ولایت که عمدتاً به صورت نظام تکلیف و نظام توصیف و نظام ارزشی از سوی وحی الهی و توسط پیامبر اکرم ابلاغ شده است (خاکی قراملکی، ۱۳۸۹، ص۷۰).

### تعریف علم دینی

تعاریف علم دینی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول تعاریفی‌اند که از یک بعد به علم دینی توجه کرده‌اند. دسته دوم تعاریفی‌اند که ابعاد مختلفی را برای علم دینی مفروض می‌دانند.

### تعاریف تک بعدی

تعاریف تک بعدی به شرح زیرند:

علم دینی علمی است که علاوه بر جنبه ملکی (تأمین دنیا و معاش آن دارای جنبه ملکوتی باشد، یعنی انسان را به سمت حق مطلق یعنی خدای جهان فراخواند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص۱۹).

علم دینی علمی است که مفاهیم، فرضیه‌ها، مدل‌ها و سبک تبیین آن الهام گرفته از دین باشد و از بوته تجربه بگذرد. (باقری، ۱۳۸۲، ص۲۰۹).

علم دینی علمی است که بر پایه منابع و متون دینی و با روش اجتهادی استخراج شود (علی‌پور حسنی، ۱۳۸۹، ص۱۵۰).

علم دینی علمی است که بر حسب ذات یا ساختار نظری و معرفتی خود، از هویت قدسی معنوی یا دینی برخوردار باشد (پارسائیا، ۱۳۹۰، ص۲۱).

علم دینی مجموعه تعاریف کاربردی است که با تکیه بر نظام ارزشی دین، تصرف و تفسیر مدل‌مند و قاعده‌مند علم هستی را در جهت تحقق اهداف اجتماعی دین دنبال می‌کند (خاکی قراملکی، ۱۳۸۹، ص۳۰۷).

### اندیشمندان مربوط تعاریف علم دینی

چوادی آملی، پارسائیا، نصر، عابدی شاهرودی، زیباکلام، خاکی قراملکی، آذربایجانی علم دینی به معنای علم هماهنگ با اصول،

## «

استاد شهید مطهری اسلام را یک مکتب و ایدئولوژی می‌داند که مبتنی بر جهان‌بینی خاص می‌باشد، به گونه‌ای که معطوف به بیان و ارائه سلسله بایدها و نبایدهایی در حوزه زندگی اجتماعی بشر و در جهت سعادت حقیقتی انسان می‌باشد. با توجه به اینکه قرآن تنها کتاب آسمانی است که از خطر تحریف مصون مانده، معنای خاص دین که ناظر به «حقیقت اسلام» است را می‌توان منحصر به دین اسلام دانست

معیارها و اهداف اسلامی

باقری (روش تجربی)

علی‌پور و حسنی (روش اجتهادی) علم دینی به معنای علم برگرفته از متون دینی

العطاس علم دینی به معنای علم غیر مخالف با دین

### تعاریف چندبعدی

مصباح‌زدی (۱۳۹۱) علم دینی را چهار جهت تعریف از علم غیر دینی متمایز می‌کند:

- علم غیرمخالف بادین؛
- علم موافق بادین؛
- علم به دست آمده از راه منابع دینی؛
- علم با نگاه الهی؛

رفیعی آتانی (۱۳۹۱) نیز معتقد است علم دینی در مجموعه‌ای از تعاریف معنا پیدا می‌کند. وی ۵ تعریف برای علم دینی ارائه می‌دهد:

- مجموعه‌ای از علوم که نیازهای جامعه اسلامی را تأمین و مسائل آن را حل کند
- مجموعه علومی که اندیشمندان اسلامی به‌وجود می‌آورند.
- مجموعه علومی که از منابع اسلامی و با روش اسلامی به‌وجود می‌آیند.
- مجموعه علومی که موضوعات آنها اسلامی و در چارچوب متدولوژی رایج علم ایجاد شود.
- مجموعه علومی که از بررسی جامعه‌ای با پیش‌فرض‌های اسلامی و با متدولوژی علوم ایجاد شود (رفیعی آتانی، ۱۳۹۱، ص۸۴).

پیغمبی (۱۳۹۱) مبتنی بر دیدگاه‌های شهید مطهری، تعاریف شش گانه‌ای از علم دینی ارائه می‌کند و معتقد است که این تعاریف در کنار فقه و حدیث یکدیگر متمایز کننده علم دینی از علم غیردینی خواهند بود:

- مجموعه علومی که از منابع نقلی استخراج می‌شوند مانند تفسیر
- مجموعه علومی که برای علوم دسته اول لازم می‌شوند مانند صرف و نحو و علوم عقلی
- تولید شود مانند معماری اسلامی
- مجموعه علومی که برای جامعه اسلامی و برای مسلمین مورد نیاز باشد مانند پزشکی
- مجموعه علومی که مبادی و مبانی آن برگرفته از اسلام یا سازگار با اسلام باشد
- مجموعه علومی که در بعد نظری کشفاز حقیقت باشند و بعد عملی‌اقامه حق کنند (پیغمبی، ۱۳۹۱).

### جمع‌بندی

با تعاریف مذکور می‌توان به طیفی هفت‌گانه از علم دینی دست یافت.

### منابع

- آذربایجانی، مسعود(۱۳۹۱)، امکان علم دینی:مقایسه‌روشناسی غربی و روشناسی اسلامی؛در سیع دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)، گفتارهایی در علم دینی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- باقری، خسرو(۱۳۸۲)، هویت علم دینی:نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی، تهران.
- چالمرز، از این راه که دستگ بزرگی را بلند می‌کردند، مشغول زورآزمایی هستند، فرمودند:از همه شما قوی‌تر آن فردی است که وقتی شهوت و طمعش به هیجان درمی‌آید بتواند بر آن مسلط باشد، و آن کسی است که وقتی بر چیزی خشم می‌گیرد بتواند بر خشم خودش مسلط باشد. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «أَشْبَحَ النَّاسَ مَنْ غَلَبَ حَوَاهٍ» از همه مردم شجاع‌تر کسی است که بر هوای نفسش غالب باشد. پس روح تقوا همان خودنگهداری است. اگر انسان بتواند بر نفس خودش در آن حد مسلط باشد که بر جین خودش مسلط باشد، در بخل و حسد و خشم و طمع و آرزو حرص خودش مسلط باشد، این اسمش تقوا است.
- رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۱)، بااین علوم انسان در سطح زندگی حیوانی‌ش حیس است، پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، شماره ۱، صص ۹۲-۹۳.
- سوزنجی، حسین(۱۳۹۱)، علم اسلامی، دانشگاه اسلامی، آسیب‌شناسی دانشگاه امام صادق(ع) در سیع دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)، گفتارهایی در علم دینی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین(۱۳۶۴)، تفسیر المیزان بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، قم
- طباطبایی، سیدمحمدحسین(۱۳۸۳)، شیعهدر اسلام، چاپ‌شازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- علی‌پور، مهدی و سید حمیدرضاحسنی (۱۳۸۹)، پارادایم اجتهادی داش دینی (پاد)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم
- مصباح‌زدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، مجموعه سخنرانی در همایش‌های علم دینی، پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح‌زدی به آدرس: www.mesbahyazdi.ir تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۱۱/۳۳

### حکمت‌مطهر



مفاهیم ناب دینی

در دیدگاه استاد مطهری (۳)

## ماهیت و چیستی تقوا

■ **تنظیم‌کننده:** جواد اسکندری

یکی از اساسی‌ترین مفاهیم دینی و قرآنی که در کلام علما هم بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته و گاهی اساس تربیت دینی شناخته می‌شود، مفهوم «تقوا» است. اگر معنای دقیق و اصلی تقوا به عنوان یک کلیدواژه دینی مشخص نشود، آنگاه تصایح علما و توصیه‌های آنان به تقوا، آنگونه که باید سودبخش نخواهد بود. در این نوشته بخش‌هایی از جلد پنجم کتاب «آشنایی با قرآن کریم» استاد مطهری با همین موضوع انتخاب و تنظیم شده است.

### ترجمه ناکامل از کلمه تقوا

تقوا را گاهی در ترجمه‌ها به «ترس» و گاهی به «اجتناب» ترجمه می‌کنند و اگر بعد از آن «خدا» ذکر شده باشد، می‌گویند یعنی از خدا بترسید، و اگر «معصیت» ذکر شده باشد، می‌گویند معنائیش این است که از معاصی اجتناب کنید. ولی مفهوم کلمه تقوا نه اجتناب است و نه ترس. البته تا حدی ملازم با این دو هست، یعنی هر جا که تقوا باشد خشیت الهی هم هست و هر جا که تقوا باشد اجتناب از معاصی هم هست. ولی خود این لغت معنائیش نه اجتناب است و نه ترس. حضرت امیر (ع) در خطبه ۱۱۲ می‌فرمایند: «تقوای الهی سبب اجتناب از معاصی و سبب ترس از خدا می‌شود» یعنی اجتناب از معصیت و ترس از خدا را به عنوان دو لازم برای تقوا ذکر کرده نه عین تقوا.

### معنای تقوا به عنوان یک حالت روحی و معنوی

تقوا از ماده «قَفَى» است. وقی یعنی نگهداری. تقوای از معاصی در واقع معنائیش «خودنگهداری» است. متقی باش یعنی خودنگهدار باش. خود این، یک حالت روحی و معنوی است که از آن تعبیر به «تسلط بر نفس» می‌کنند. اینکه انسان بتواند خود بر خود و در واقع اراده و عقل و ایمانش بر خواشش‌ها و هوس‌هایش تسلط داشته باشد به طوری که بتواند خودش خودش

## «

تقوا را گاهی در ترجمه‌ها به «ترس» و گاهی به «اجتناب» ترجمه می‌کنند و اگر بعد از آن «خدا» ذکر شده باشد، می‌گویند یعنی از خدا بترسید، و اگر «معصیت» ذکر شده باشد، می‌گویند معنائیش این است که از معاصی اجتناب کنید. ولی مفهوم کلمه تقوا نه اجتناب است و نه ترس. تقوا از ماده «قَفَى» است.

وقی یعنی نگهداری. تقوای از معاصی در واقع معنائیش «خودنگهداری» است. متقی باش یعنی خودنگهدار باش. خود این، یک حالت روحی و معنوی است که از آن تعبیر به «تسلط بر نفس» می‌کنند

خود دیگرش ناخود است، و در واقع تقوا تسلط خود است بر ناخودی که انسان آن ناخود را خود می‌داند.

### تقوا در نهج‌البلاغه

در نهج‌البلاغه تعبیراتی درباره تقوا هست که از جنبه روانی بسیار لطیف و عالی است. در خطبه ۱۸۹ می‌فرماید: «فصونوا و تَمْتَوُوا بها» یعنی تقوا را نگه دارید و خود را به وسیله تقوا حفظ کنید. خیلی عجیب است! شما تقوا را نگه دارید و تقوا شما را نگه دارد. آیا این دور است؟ نه. مثل این است که انسان لباس را نگه می‌دارد و لباس انسان را. انسان را نگه می‌دارد از اینکه سسرها یا گرم‌ما بخورد. این دو با هم منافات ندارند. می‌فرماید شما تقوا را نگه دارید و تقوا شما را نگه دارد. در خطبه ۲۸۹ حضرت می‌فرمایند: «شما را سفارش می‌کنم به اینکه از خدا برای رسیدن به تقوا کمک بخواهید و از تقوا برای رسیدن به خدا کمک بگیرید.»

### معنای حقیقی تقوا

شاید این حدیث را مکرر خوانده باشیم که پیغمبر اکرم (ص) از جایی عبور می‌فرمودند، دیدند عده‌ای از جوانان مسلمین از این راه که دستگ بزرگی را بلند می‌کردند، مشغول زورآزمایی هستند، فرمودند:از همه شما قوی‌تر آن فردی است که وقتی شهوت و طمعش به هیجان درمی‌آید بتواند بر آن مسلط باشد، و آن کسی است که وقتی بر چیزی خشم می‌گیرد بتواند بر خشم خودش مسلط باشد. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «أَشْبَحَ النَّاسَ مَنْ غَلَبَ حَوَاهٍ» از همه مردم شجاع‌تر کسی است که بر هوای نفسش غالب باشد. پس روح تقوا همان خودنگهداری است. اگر انسان بتواند بر نفس خودش در آن حد مسلط باشد که بر جین خودش مسلط باشد، در بخل و حسد و خشم و طمع و آرزو حرص خودش مسلط باشد، این اسمش تقوا است.